کندا مونت‌ریال

امةاللّه مسس مکسول علیها بهآء اللّه الأبهی To Mrs. Maxwell

هواللّه

ای دختر ملکوتی من از یوم خروج از مونت‌ریال تا حال دمی نیاسودم و آرام نگرفتم از صبح الی نیمهٔ شب مشغول بندآء بملکوت بودم و در اکثر مجامع و محافل حتّی معابد یهود نعره‌زنان اعلان ظهور ملکوت نمودم بسا شبها نخفتم بسا روزها مانند دریا در نهایت هیجان بودم الحمد للّه در معبد عظمای یهود سانفرانسیسکو اثبات حقّیّت حضرت مسیح شد و جمیع بنهایت سرور استماع نمودند نفسی اعتراض ننمود و در ختام خطابه نهایت ممنونیّت را اظهار کردند یکی گفت من خجالت میکشم یهودی باشم و من‌بعد نخواهم بود یهودی دیگر در کوچه تصادف کرده گفت حقّا که این خطابه خطاب اشعیای نبی بود همچنین نفوس دیگر در کوچه تصادف نموده نهایت امتنان اظهار میدارند یکی میگوید وری گود یکی میگوید وری بیوتیفل دیگری میگوید وری نایث باری ما در میان بیوتیفل و گود و نایث گیر کرده‌ایم از بشارات علوّ امر اللّه در مونت‌ریال و الفت احبّا بسیار ممنونم بجمیع تحیّت ابدع ابهی برسان در پنجم ماه نومبر یمکن وارد نیویورک شویم حال در شرف حرکتم که به شرق رجوع نمایم زیرا به لاس‌انجلیز شاطی بحر باسفیک رسیدیم دیگر باید مراجعت کنیم شوهر محترمت و طفل عزیزت را از قبل من ببوس بمستر ادینگتن تحیّت مخصوصه برسان و بگو از این اذیّتی که بر تو وارد بسیار مسرور باش زیرا شریک و سهیم من شدی و عبدالبهآء بسیار این اذیّتها دیده و علیک البهآء الأبهی

عبدالبهاء عباس

abdul Baha abbas

---

این سند از کتابخانهٔ مراجع بهائی دانلود شده است. شما مجاز هستید از متن آن با توجّه به مقرّرات مندرج در سایت www.bahai.org/fa/legal استفاده نمائید.

آخرین ویراستاری: ۲۶ فوریه ۲۰۲۴، ساعت ۱:۰۰ بعد از ظهر